

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول : مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • شماره: ۴۷۹۴ • ۱۲ صفحه

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

شترق

سه‌شنبه ۲۲ اسفند ۱۴۰۲ • ۱ رمضان ۱۴۴۵ • ۱۲ مارس ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۴۷۹۴ • ۱۲ صفحه

اذان ظهرتهران ۱۲:۱۴ • اذان مغرب ۱۸:۲۸ • اذان صبح فردا ۴:۵۴ • طلوع آفتاب ۶:۱۸

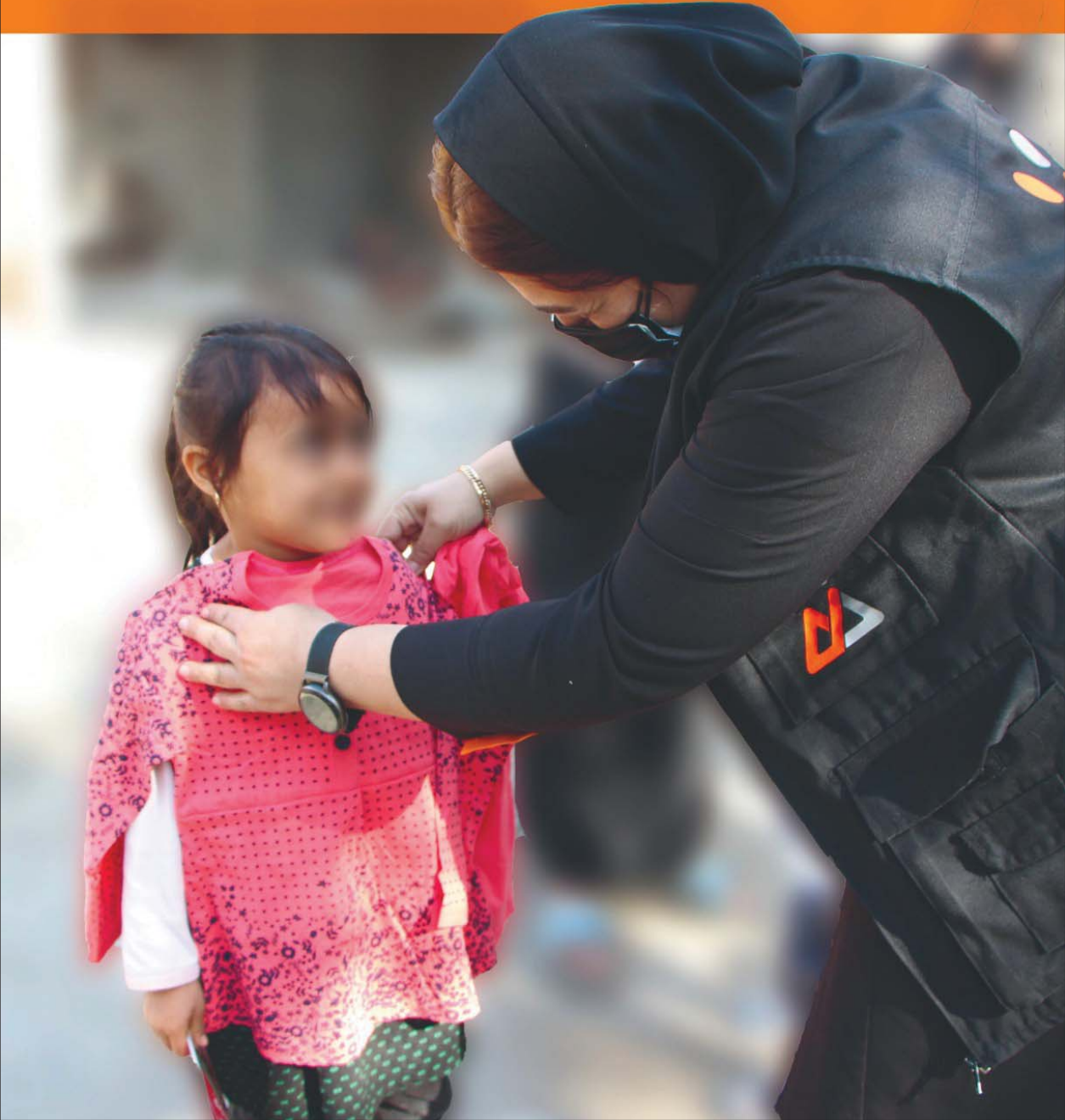
روزها

آغاز ماه رمضان در جنگ و گرسنگی

آغاز ماه رمضان در اکثر کشورهای خاورمیانه، همراه با تبریک و یادآوری جنگ در غزه بوده است. پخش شدن اذان صبح دوشنبه از مسجدالاقصی می‌توانست آغازگر ماه پربرکت رمضان، در صلح و دوستی باشد؛ اتفاقی که رخ نداده است. این آغازنشدن آتش‌بس در حالی است که تعداد شهدای غزه به ۳۱هزارو ۱۱۲ نفر رسیده است، مسلمانان این منطقه در حالی رمضان را آغاز کرده‌اند که شرایط هر روز سخت‌تر می‌شود و افزایش تعداد گرسنگان و گرسنگی در سراسر نوار غزه به‌ویژه در مناطق شمالی به رکورد بی‌سابقه‌ای رسیده است. با وجود مذاکرات متعدد، آتش‌بس برقرار نشده است. در چند روز گذشته برخی رسانه‌ها از سفر مخفیانه رئیس سازمان سیا به مصر خبر دادند؛ درحالی‌که رژیم صهیونیستی همچنان به بمباران مناطق مختلف ادامه می‌دهد. وزارت بهداشت در نوار غزه پیش‌تر اعلام کرده است دو هزار نفر از کادر بهداشت بدون سحری و افطار، ماه رمضان خود را آغاز کرده‌اند. در بیانیه‌ای اعلام شده است: «تیم‌های پزشکی شبانه‌روز در شمال غزه کار می‌کنند، اما چیزی برای خوردن و آشامیدن پیدا نمی‌کنند. آنها بر اثر کمبود وعده‌های غذایی لاغر و ضعیف شده‌اند».

کمپین بزرگ نوروزی

بنیاد دستان مهربان



آیین کشایش ایوان کالسکه و رونمایی از کالسکه‌های قدیمی ازحملة کالسکه ترور ناصرالدین‌شاه در موزه خودروهای تاریخی ایران

ظهر یکشنبه ۲۰ اسفند ۱۴۰۲ برگزار شد عکس:تهمینه رحمانی، میزان

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

درسی از نحوه مشارکت مردم در انتخابات ۱۱ اسفند

چهار ایراد فرهنگی و تبلیغاتی



قادر باستانی

به عقیده من، ایرادات مشترک این دسته از دستگاه‌های فرهنگی و تبلیغاتی چهار مورد است. ایراد اول اینکه اینها خود را وامدار مردم نمی‌دانند. برای مثال، اگر یک روزنامه متکی به تک فروشی مردم باشد، حیات خود را در گرو جلب رضایت مخاطب می‌گذارد. بهترین قلم‌ها و محبوب‌ترین خبرنگاران را به کار می‌گیرد. دیگر مثل روزنامه شهرداری، تیزرهای فضایی نمی‌زند که مرغ پخته را به خنده آورد. نبض افکار عمومی را در دستش دارد و تعامل دوسویه با مخاطب برقرار می‌کند. شبکه تلویزیونی، وقتی حاصل افکارسنجی را مشاهده می‌کند که یک برنامه نتوانسته حتی پنج درصد مخاطب برای خود جفت‌وجور کند، بی‌درنگ آن را تعطیل می‌کند؛ نه آنکه برایش این درصدها اهمیتی نداشته باشد. طراحان و سیاست‌گذاران بیلبوردهای شهری، وقتی می‌بینند علی‌رغم حجم سنگین تبلیغات، بیش از ۸۰ درصد مردم شهرشان رای نداده یا رای باطله داده‌اند، فوراً در طراحی پروپاگاندای خود تجدیدنظر جدی می‌کنند. اما وقتی مسئول مربوطه احساس می‌کند مردم کارهای نیستند، کافی است با تهیه گزارش‌های مطنطن و مشعشع، عملکرد اجرایی را پنهان کند و تازه مدعی هم بشود. ایراد دوم و بسیار مهم، با کمال تأسف، فقدان صداقت کافی در رفتار، کردار و گفتار برخی متصدیان فرهنگی و تبلیغاتی است. آنها به غلط می‌پندارند جنگ روایت‌هاست و هرکس زودتر ادعا کند، برنده صحنه خواهد بود. تصورات کاملاً نادرستی از نحوه فعالیت دستگاه‌های تبلیغاتی کشورهای پیشرفته دارند و فکر می‌کنند آنها میانه‌ای با حقیقت و واقعیت ندارند و همه کارشان ساختگی و فریکاری و اغوای مخاطب است. این گروه از متولیان دستگاه‌های فرهنگی و تبلیغاتی، توجه درست به اعتبار منبع ندارند. به راحتی ادعای غیرواقعی می‌کنند و با خلاف‌گویی کارشان را پیش می‌برند و توجهی ندارند که اعتبارشان نزد مخاطب زائل و پیام‌های بعدی‌شان فاقد تأثیر و حتی اثر عکس می‌شود. ایراد سوم، مسئله تخصص است. هر چقدر در مناصب فنی، مهندسی، پزشکی و نظایر آن تخصص اهمیت دارد و کمتر افراد غیرمتخصص مصدر امور می‌شوند، در بخش فرهنگی و تبلیغاتی برعکس آن جریان دارد. در ادارات دولتی، هر کارمندی که هیچ کجا کارایی ندارد، به راحتی به بخش فرهنگی و تبلیغاتی و روابط عمومی منتقل می‌شود. این در حالی است که در دنیا متخصصان بازاریابی و تبلیغات، گران‌ترین و کاربلدترین متخصصان هستند و مهارت‌های فوق‌العاده‌ای در روان‌شناسی، مخاطب‌شناسی، ارتباطات انسانی و جامعه‌شناسی دارند و صاحب‌نظر هستند. در همین جابه‌جایی این هفته سازمان صداوسیما که معاون سیاسی برکنار و فرد دیگری جایگزین او شد، سوابق و توانمندی هر دو عزیز را بررسی کنید، متوجه عرض بنده می‌شوید. مهم‌ترین و حساس‌ترین پُست رسانه ملی که باید فردی اندیشه‌ورز، استراتژیست، تنورسین و تحلیلگر صاحب‌نام متصدی آن شود، در اختیار افرادی قرار گرفته که در خوش‌بینانه‌ترین حالت می‌توانند خبرنگار یا سردبیر یک رسانه محلی باشند. در برخی سازمان‌های فرهنگی نیز چنین شرایطی حاکم است؛ افراد غیرمتخصصی مصدر امور می‌شوند که به سادگی همراه شوند. ایراد چهارم، فقدان نظام ارزیابی و نتیجه‌محوری است. روزنامه‌ای که زمانی سودآور بود، اکنون کاملاً وابسته به بودجه عمومی شده و بخش اعظم فروش خود را در دست داده است. آیا دلایل ریزش مخاطب بررسی شده؟ آیا تحولی در رویکرد و روش صورت گرفته است؟ خیر، همچنان با زبان فراینده و با اتکا به خزانه، مسیر اشتباه خود را ادامه می‌دهد. این سازمان‌ها نرخ عجیب طلاق و انواع آسیب‌های اجتماعی را می‌بینند، اما آیا این روند اجتماعی تغییری در مسیر فعالیت این نهادها گذاشته است؟ نتایج انتخابات ۱۱ اسفند، فرصتی برای اندیشیدن و اصلاح مسیر است؛ پشتوانه درمی در معرض تهدید قرار گرفته و یکی از متهمان آن، قاعدا متولیان اجرایی فرهنگی، رسانه‌ای و تبلیغاتی هستند. آنها را دریابیم و کمک‌شان کنیم.

هنر خوانی

اوپنهایمر جوایز اسکار را درو کرد

برندگان نودوششمین اسکار در غیبت سیاست و با اشاره‌های اندک به جنگ غزه و توجه بیشتر به جنگ در اوکراین معرفی شدند. اوپنهایمر با هفت جایزه برنده بلامنازع این دوره بود. «جیمی کیمبل» که برای چهارمین بار به‌عنوان مجری اسکار انتخاب شده بود، مراسم را با شوخی‌هایی درباره بی‌توجهی آکادمی به فیلم «باربی» و عدم نامزدی کارگردان زن این فیلم «گرتا کرویگ» در بخش کارگردانی، طولانی‌شدن بیش از حد برخی از فیلم‌های نامزدشده مانند «اوپنهایمر» و «قاتلان ماه کامل» آغاز کرد. او شوخی با اعتصاباتي را که هالیوود زمان زیادی از سال گذشته را درگیرش بود، فراموش نکرد. البته طعنه ترامپ به حضورش به‌عنوان مجری را هم با طرح سؤال «آیا زمان زندان رفتن شما نیست؟» جواب داد. مراسم اسکار در حالی شروع شد که چندصد متر آن طرف‌تر، عده‌ای برای پایان جنگ در غزه تظاهرات کرده بودند.

♦♦♦

جایزه بخش اسکار فیلم‌های خارجی همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد به فیلم «منطقه دلخواه» به کارگردانی «جاناتان گلنیز» رسید؛ فیلمی که ۱۰ سال ساختن آن طول کشید و به گزارش بی‌بی‌سی، فیلم درباره «ایندال شر» و مردمی است که در کنار اردوگاه آشویتس زندگی می‌کنند. این فیلم که برنده بهترین جایزه صداگذاری نیز شده است، مخاطب را نه‌تنها هنگام دیدن فیلم بلکه با آنچه می‌شنود نیز به هراس و تفکر وادار می‌کند. کارگردان فیلم هنگام دریافت اسکار از جنگ اوکراین و غزه یاد کرد. اهدای جایزه به مستند بلند «۲۰ روز در ماریوپل»، فرصتی برای یادکردن از جنگ اوکراین بود. کارگردان این فیلم، «میستیسلاف چرونوف»، با اشاره به اینکه این اولین اسکار تاریخ اوکراین است، آرزو کرد «کاش جنگی رخ نمی‌داد و کاش من این فیلم را هرگز نمی‌ساختم». «داستان آمریکایی»، طنزی که به بررسی نژاد و هنر می‌پردازد، برنده بهترین فیلم‌نامه اقتباسی شد. درحالی‌که درام دادگاهی «آنتومی یک سقوط» اسکار بهترین فیلم‌نامه اصلی را به خود اختصاص داد. این فیلم‌نامه را زن و شوهر فرانسوی، ژوستین تریه و همسرش آرتور هرازی، نوشته بودند. دریافت اسکار «بیلی آیلیش» سبب تاریخ‌سازی او شد. این خواننده در ۲۲ سالگی به‌عنوان جوان‌ترین برنده دو اسکار شناخته شد. او و برادرش برای ساختن و اجرای آهنگ فیلم «باربی» برنده شدند و این اثر را در مراسم اسکار اجرا کردند. از سویی دیگر، «هایائو میازاکی» برای «پسر و مرغ دریایی» مسن‌ترین برنده بهترین انیمیشن بلند شد. این استاد انیمیشن ژاپنی ۸۳ساله است و بار پیش ۲۲ سال پیش برنده اسکار شده بود. ویدئوی «اما استون» که با هیجان و در حال گریه درباره بردن اسکار بهترین بازیگر زن سخن می‌گفت، در شبکه‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. او نیز در فهرست زنانی قرار گرفت که قبل از ۳۵سالگی دو اسکار دریافت کرده است. برنده اسکار بهترین فیلم، «اوپنهایمر» بود که تعداد زیادی از عوامل آن هم‌زمان به روی صحنه رفتند. «اما توماس» جزء تهیه‌کنندگان آن بود. این فیلم که نکاهی نگران‌کننده به آغاز دوران اتمی دارد، برای کارگردانش «کریستوفر نولان» نیز اسکار بهترین کارگردانی را به همراه آورد. به گزارش ای‌بی‌سی نیوز، این فیلم در زمان افزایش جنگ‌های بین‌المللی مورد توجه بیشتری قرار گرفت. همچنین بازی تسخیرکننده «کیلیان مورفی» در نقش جی رابرت اوپنهایمر برایش اسکار بهترین نقش اول مرد و برای «رابرت داوونی جونویر» به‌عنوان یک پرورکرات انتقام‌جو جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را به همراه داشت. مورفی اولین ایرلندی دریافت‌کننده اسکار در سخرانی خود جایزه‌اش را به تمام کسانی که برای صلح تلاش می‌کنند، تقدیم کرد. «جینفر لیم»، تدوینگر «اوپنهایمر» اولین زنی است که در نزدیک به یک دهه گذشته جایزه بهترین تدوینگر سینما را از آن خود می‌کند. همچنین «ون هونتما»، جایزه بهترین فیلم‌بردار را برای «اوپنهایمر» از آن خود کرد. نمی‌شود از اسکار گفت و از ناکامی اسکورسیزی یاد نکرد؛ فیلم «قاتلان ماه کامل» با وجود ۱۰ نامزدی دست خالی جوایز اسکار را ترک کرد. این سومین فیلم این کارگردان است که بازهم هیچ جایزه‌ای دریافت نکرد. البته دریافت جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل توسط «داواین جوی راندولف» برای فیلم «جاماندگان» سبب شد تا نامش به‌عنوان دهمین بازیگر سیاه‌پوست ثبت شود.

روزگار خوانی

رفت‌وآمد آیین‌ها

فاطمه کریمخان: وقتی می‌گویند ایران چهارراه تمدن جهان است، یعنی چی؟ اخیراً پژوهشی نشان داده است که شب یلدا، آن‌طور که بسیاری از مردم باور داشتند و هر سال در اینستاگرام و میهمانی‌های خانوادگی و گروه‌های فامیلی تکرار می‌کردند، آیین تولد مهر و خورشید و الهه‌های مانوی و این چیزها نیست بلکه همان جشن تولد مسیح و آغاز سال نوی میلادی است که در تقویم بسیار دقیق خورشیدی ایران با بلندترین شب سال هم‌نشین شده است.

چیزهای دیگری هم هست که ما از فرهنگ‌های دیگر وام گرفته‌ایم یا صرفاً درباره اجرای آنها با فرهنگ‌های دیگری که تقویم خورشیدی ندارند، مشترک هستیم. خانه‌تکانی را در نظر بگیرید؛ سنت خانه‌تکانی ریشه در اعتقادات قضا و قدری مردم چین دارد. چینی‌ها در هفته‌های منتهی به سال نوی چینی، در نهم بهمن خانه‌ها را جارو می‌کنند، چون اعتقاد دارند با این کار بدشانسی‌های سال قبل را از خانه پاک می‌کنند و جا را برای خوش‌یمنی سال بعد باز می‌کنند. آلودگی، بدی را جذب می‌کند؛ بنابراین با تمیزکردن خانه‌ها شانس خودشان را برای اینکه در سال آینده قسمتی بهتر از آنچه را در سال گذشته رخ داده به دست بیاورند، بیشتر می‌کنند.

علاوه بر «خانه‌تکانی»، «آتش‌بازی» در روزهای پایانی سال و روزهای آغازین سال جدید هم جزء سنت‌های تحویل سال چینی است. سروصدا و ترقه‌بازی در این دوره زمانی در شهرهای چین چنان زیاد است که تقریباً نمی‌توانید بدون اینکه در عوالم خودتان باشید، در خیابان‌ها راه بروید. آتش‌بازی و ترقه‌بازی تا جایی ادامه پیدا می‌کند که ممکن است گاهی نتوانید از شدت دود جلوی پای خودتان را هم ببیند. چرا؟ ترقه در چین برای ترساندن نیروهای شیطانی و همین‌طور دعوت نیروهای فرخنده و خوش‌یمن و برکت به خانه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. برخی از مردم می‌گویند برای ترساندن هیولایی به نام نیان از ترقه استفاده می‌کنند. طبق افسانه‌های عامیانه، این هیولا روستاییان را می‌خورد. مردم از این هیولا می‌ترسند اما این هیولا به‌قدری از رنگ قرمز می‌ترسد که مردم در اولین روز سال نو چینی برای ترساندن او ترقه‌بازی می‌کنند. داستان دیگر این است که در روزهای معینی از سال، خدای ثروت از راه می‌رسد و به مردم ثروت می‌دهد؛ بنابراین مردم به امید خوش‌شانسی و ثروت از ترقه استفاده می‌کنند تا این خدا را به خانه‌های خود جذب کنند.

هم‌خانه‌تکانی و هم ترقه‌بازی و آتش‌بازی‌های شب عید، فرصتی است برای اینکه بین آنچه گذشته و آنچه قرار است در آینده اتفاق بیفتد، فاصله‌ای برقرار شود. «دوران گذار» از سال کهنه به سال جدید که باید در آیینی مشخص از آن عبور کرد تا با آمدگی به مرحله بعدی وارد شد.

اینکه ماهی قرمز از چین آمده است و ترقه‌ها و وسایل آتش‌بازی که مردم در چهارشنبه‌سوری استفاده می‌کنند، عموماً برچسب‌ها و نوشته‌های چینی دارد، ناشی از سوءتفاهم یا صرفاً بزرگ‌شدن بازار اقتصادی چین نیست. رفت‌وآمد آیین‌ها و باورها بین فرهنگ‌های مختلف هم نه گرت‌برداری و تقلید بلکه مسیری برای غنای بیشتر آیین‌ها و تجربه زیسته ماست. البته الزامی وجود ندارد که آیین‌های باستانی امروز هم دقیقاً همان کارکردی را داشته باشند که دو، سه هزار سال پیش برای آنها در نظر گرفته شده است. همین‌طور بعید است بچه‌هایی که در خیابان ترقه‌های کبریتی می‌اندازند، واقعا منتظر خدای ثروت باشند یا مشغول آیینی برای ترساندن دیوی که مردم را می‌خورد. باین‌حال، به نظر می‌رسد این آیین‌ها همچنان تنها مسیر موجود برای فاصله‌گذاشتن بین آنچه رفته و آنچه در پیش‌رو است باشند.

